

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

نظر مرحوم آخوند و نائینی

عرض کردیم مرحوم آخوند و مرحوم نائینی قائلند که در مدخول «کل» برای اثبات عموم احتیاج داریم که مقدمات حکمت را در مدخول جاری کنیم. و نتیجه گرفتند هر عامی در دلالتش بر عموم، احتیاج دارد به جریان مقدمات حکمت و نتیجه‌اش آن است که در تعارض بین عام و مطلق، عام مقدم بر مطلق نمی‌شود. طبق این مبناي مرحوم آخوند و مرحوم نائینی، باید بگوییم که هر کدام ظهور قوی‌تری دارند، آن مقدم می‌شود.

مرحوم آخوند شاهی را برای مدعای خودش ذکر کردند که اگر مدخول را مقید به قیدی کنیم، اگر مولا از اول به جای «أكرم كل رجل» بگوید «أكرم كل رجل عالم»، حالا که گفته «أكرم كل رجل» اگر شک کنیم که آیا مولا این قید را اراده کرده است یا نه؟ راهی غیر از اطلاق نداریم؛ باید بگوییم در «رجل» مقدمات حکمت جاری است و بعد از آنکه اطلاق را محقق ساختیم، می‌گوییم استغراق در اینجا معنا دارد. ایشان این را شاهد می‌گیرند بر این که «کل» دلالت بر عموم مدخول ندارد و بلکه بر عموم ما یراد من المدخول دلالت دارد.

جواب آقای خویی از فرمایش آخوند

در جواب از این فرمایش آخوند، مرحوم آقای خویی در جلد پنجم «محاضرات»، در صفحه 160 فرموده است: در این جهت که تقييد امکان دارد و با دلالت ادات بر عموم منافات ندارد، فرق نمی‌کند که بگوییم کلمه «کل» و ادات عموم، دلالت بر عموم مدخول دارند یا عموم ما یراد به؛ به عبارت دیگر، می‌فرمایند: طبق هر دو نظریه، امکان تقييد وجود دارد و عدم منافات تقييد با دلالت ادات بر عموم، اثبات نمی‌کند که حتماً عموم بر ما یراد من المدخول وارد شده است، بلکه ما می‌گوییم ادات، دلالت بر استغراق مدخول دارد؛ مدخول اگر جنس است، دلالت بر استغراق همه افراد جنس دارد؛ اگر نوع است، دلالت بر استغراق همه افراد نوع دارد؛ و اگر صنف است، دلالت بر استغراق همه افراد صنف دارد.

اشکال استاد به آقای خویی(ره)

بیان ایشان به آن صورت که در کتاب «محاضرات» وجود دارد، به نظر می رسد که بیان کافی نیست؛ یعنی دو مرتبه تکرار یک مدعایی است. مرحوم آخوند می فرماید: ادعای ما این است که «کل» در صورتی دلالت بر استغراق مدخول دارد که اول اصالة الاطلاق را در مدخول جاری کنیم؛ شاهدش هم آن است که متکلم می تواند قید را از اول بیاورد؛ و برای نفی قید، راهی غیر از اصالة الاطلاق نیست؛ پس از اجرای اصالة الاطلاق در مدخول، می گوییم: «کل» دلالت بر استغراق ما **یراد من المدخول** دارد.

عرض ما این است که این جواب مرحوم آقای خویی از کلام مرحوم آخوند، جواب کافی نیست؛ ایشان می فرماید: «إن كان جنسا دلّت علي العموم في إطاره» ، مرحوم آخوند و نائینی می فرمایند: از کجا می فهمیم که جنس است؛ باید اصالة الاطلاق را جاری کنیم تا بفهمیم جنس است. به نظر ما، هر چه دقت کردم در عبارت ایشان – خودتان هم مراجعه بفرمایید – محصلی از نظر جواب مرحوم آخوند در فرمایش مرحوم آقای خویی پیدا نکردیم.

جواب امام خمینی از فرمایش آخوند

امام رضوان الله تعالی علیه در کتاب «مناهج» نسبت به این اشکال جواب نداده اند، ولی در کتاب «معتمدالاصول» که تقریرات والد ما دام ظلّه از بحث اصول امام است، این اشکال را جواب داده و می فرمایند: ما اینجا از راه اصالة عدم الخطاء وارد می شویم، نه از راه اصالة الاطلاق؛ به این بیان که اگر در یک جا مثلاً ده نفر عالم باشد، متکلم بگوید «أكرم زیداً، أكرم بکراً و...» نه نفر آنها را ذکر کند ولی نسبت به نفر دهم حرفی نزند، اینجا اگر بگویید که شاید یادش رفته نسبت به نفر دهم حرف بزند، شاید خطا کرده باشد، اصلی به نام اصالة عدم الغفلة و اصالة عدم الخطاء را جاری می کنید.

می فرمایند: در اینجا نیز همین طور است؛ در اینجا، ادات، دلالت بر عموم مدخول دارد؛ اگر متکلم از کلمه «رجل» می خواست «رجل عالم» را اراده کند ولی فراموش کرده و یا خطا کرده است، با اصالة عدم الغفلة و اصالة عدم الخطاء، این احتمال را کنار می زنیم و در نتیجه، نیازی به اجرای مقدمات حکمت نداریم. در مقدمات حکمت، باید بگوییم متکلم در مقام بیان است و قرینه بر خلاف ندارد، بعد بگوییم این دلالت بر اطلاق دارد. نیازی نیست که بگوییم در «رجل» اصالة الاطلاق جاری شود و بعد، بگوییم که «کل» دلالت بر استغراق می کند؛ بلکه با اصالة عدم الخطاء یا اصالة عدم الغفلة می توانیم مسأله را حل کنیم.

به عبارت دیگر، در جایی که متکلم می گوید: «أكرم جميع العلماء» ، اگر احتمال دهید که متکلم قصد داشت بگوید: «أكرم جميع الناس» ، ولی گفت: «أكرم جميع العلماء» ، آیا در اینجا نیز از اصالة الاطلاق استفاده می کنید؛ یا از اصالة عدم الخطاء و الغفلة؟ مسلماً در اینجا از اصالة عدم الخطاء که یک اصل عقلایی و جاری در محاورات عقلاییه است، استفاده می کنید. بنابراین، خلاصه فرمایش امام این شد که ایشان می فرمایند: ما چطور در سایر کلمات اصالة عدم الخطاء و الغفلة را جاری می کنیم، در اینجا نیز را جاری می کنیم و می گوییم «کل» دلالت بر عموم مدخول دارد.

اشکال استاد به جواب امام(ره)

باید گفت که در اینجا اگر منشأ شک ما خطا و احتمال خطا باشد، اصالة عدم الخطاء جاری می شود؛ اما منشأ شک ما، احتمال اعتبار یک قیدی است؛ یعنی احتمال می دهیم متکلم که گفته «أكرم كل رجل» ، مقصود واقعی اش از «رجل»، رجل عالم است؛ اینجا برای رفع این احتمال، غیر از اصالة الاطلاق چه چیز دیگری داریم؛ جایی که یقین داریم متکلم قیدی را ذکر

نکرده است ولي احتمال مي دهيم اراده واقعي اش از «رجل»، رجل عالم باشد، بايد اصالة الاطلاق جاري شود. پس، راهي غير از اصالة الاطلاق نداريم. لذا، فرمايش امام رضوان الله عليه نيز با اين اشکال مواجه است.

نظر استاد در مسأله

اگر دقت كنيم، حق با مرحوم نائيني و مرحوم آخوند است. در جواب از اشكال لغويتي كه امام و مرحوم آقاي خوئي مطرح كردند كه اگر بگويم به اصالة الاطلاق نياز داريم، وجود اين ادات كالعدم است و لغويت پيش مي آيد. مي گوييم: جواب را از خود شما ياد گرفتيم؛ هر دو بزرگوار نظرشان اين است كه مطلق دلالت بر اصل طبيعت دارد و كاري به افراد ندارد؛ وقتي مي گوييم «أكرم كل رجل»، اول مي گوييم مقصود طبيعت رجوليت است، بلافرق بين عالم و غير عالم؛ و «كل» مي گويد فرد فرد از اين طبيعت مراد است و ديگر لغويت لازم نمي آيد. ما با اصالة الاطلاق مي گوييم طبيعت مراد است و با ادات هم مي گوييم افراد اين طبيعت تماماً مراد متكلم است. ولي عرض كردم كه در اصالة الاطلاق بايد ابتدا اثبات كنيم كه متكلم در مقام بيان است؛ در حالي كه اصالة عدم الخطاء نيازي به اين مقدمه ندارد. اين تتمه مطلب قبل، تا دنباله مطلب. والسلام.